



گروه و اقسام آن در زبان فارسی

(۴)

مقایسه‌ای بین اقسام گروه‌های چند هسته‌ای

از اقسام همسانی در درجه اول تفسیر و سپس تأکید به همپایگی نزدیک‌ترند و بدل از اینها همه به همپایگی کمتر شباهت دارد زیرا چنانکه دیدیم در تفسیر همیشه واسطه‌ای وجود دارد و در تأکید گاهی چنین است و گاهی چنین نیست ولی بدل اصلاً واسطه ندارد. بدل از لحاظ معنوی به صفت نزدیکست و همین خود دلیل نزدیکی آن به وابسته‌ها و ناهمسانهاست و بیشتر بر اثر ساختمان آنست که در مبحث همسانی مورد بحث قرار میگیرد. بنابراین در سلسله مراتب همسانی ما چنین خواهیم داشت ، همپایگی ، تفسیر ، تأکید ، بدل و بدل حدفاصلی است بین همسانی و وابستگی .

ضمناً باید دانست که گروه بدلی بیشتر با اسم خاص سروکار دارد در حالی که گروه‌های همپایگی و تفسیری و تأکیدی چنین نیستند .

اجزاء گروه‌های بدلی و تأکیدی و تفسیری از لحاظ معنایی غالباً عین همند و به یک

آقای دکتر خسرو فرشیدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران و شاعران نامدار معاصر.

مرجع برمیگردند بنابراین از این لحاظ باهم وجه اشتراك دارند درحالی که اجزاء گروه های همپایگی غالباً چنین نیستند و از این رو ما میتوانیم گروههای همسانی را به دو گروه اصلی چندبنیادی و يك بنیادی تقسیم کنیم. گروه چند بنیادی همان گروه همپایگی است و گروههای يك بنیادی سه قسم است: تفسیری و بدلی و تأکیدی و یا ممکنست گروههای يك بنیادی همه را گروه تأکیدی بنامیم. همانطور که برخی مانند دکتر خیامپور بدل و تأکید رایگی گرفته اند.

مفهوم بازگشتن اجزاء گروه به يك مرجع از مثال زیر معلوم می شود. وقتی میگوئیم «برادرمن هوشنگ» شك نیست که برادرمن و هوشنگ يك مرجع دارند و هر دو یکی هستند و همچنین است دشت یعنی صحرا و فریدون و فریدون یا مردم همه ولی در همپایگی غالباً چنین نیست. فی المثل در گروه «حسین و محمود» بدیهیست که حسین با محمود تفاوت دارد. تنها اگر دو همپایه مترادف باشند میتوان گفت مرجع آنها یکیست مانند «سرگشته و سرگردان».

گروههای آمیخته

گاهی گروهی هم عناصر همسان دارد و هم عناصر وابسته که ما آنها را گروه آمیخته می نامیم مانند زن و مرد خوشحال که «زن و مرد» خود گروه همسانی همپایگی است ولی همین گروه خود صفت و وابسته ای دارد که «خوشحال» است یعنی خوشحال تنها صفت و وابسته مرد نیست بلکه صفت مجموع «زن و مرد» یعنی صفت گروه است.

گاهی گروهی وابسته گروهی دیگر می شود مانند کتاب و دفتر خوب و محکم یا کتاب و دفتر برادرمن که گروه «خوب و محکم» و «برادرمن» در دو مثال فوق وابسته گروه «کتاب و دفترند».

اگر ما گروهها را يك عنصر و در حکم يك کلمه فرض کنیم دیگر به گروه آمیخته نیازی نیست زیرا وابسته متعلق به گروهست و چون گروه هم در حکم واحد است بنابراین گروه ما يك هسته ای و وابستگی است مانند پسر و پدر باهوش. و یا گروه همسانی وابسته کلمه یا گروه يك هسته ایست در این صورت نیز باز گروه ما گروه وابستگی يك هسته ایست مانند کتاب سبز و مفید، قلم هوشنگ برادرمن و یا یکی از عناصر همسان وابسته دارد و خود با آن وابسته گروهی تشکیل می دهد که در حکم واحد است و جمعاً با همسان دیگر گروه همسانی بوجود می آورند مانند برادرمن و محمود.

ولی قائل شدن به گروه آمیخته نیز خالی از فایده نیست نهایت آنکه در این زمینه هیچ تحقیقی نشده است و دادن نظر دقیقتر در این باره باید به فرصت دیگری موکول شود.

بعضی از گروههای لغزان اسمی

گروههای اسمی لغزانی هستند که تعیین طبقه و نوع دستوری آنها کار آسانی نیست

زیرا هم می‌توان آنها را از گروه‌های چندخسته‌ای و همپایگی شمرد و هم از گروه‌های يك هسته‌ای و وابستگی. این گروه‌ها با گروه‌ها و واژه‌هایی که تعیین هویت دستوری آنها کارآسانی نیست ساخته می‌شوند یعنی با این واژه‌ها و گروه‌ها :

۱- واژه‌های و گروه واژه‌های تخصیص (مخصوصاً، علی‌الخصوص ، بویژه ۲- واژه های استثناء (بجز مگر، به استثنای) ۳- واژه‌های تمثیل (مثلاً، فی‌المثل و غیره) ۴- حتی ۵- از جمله گروهی که با اینها می‌آید گاهی گسسته است و گاهی پیوسته:

مثال برای گروه اسمی گسسته	مثال برای گروه اسمی پیوسته
همه ترا دوست دارند بجز احمد	همه بجز احمد ترا دوست دارند
همه ترا دوست دارند مخصوصاً احمد	همه مخصوصاً احمد ترا دوست دارند
همه ترا دوست دارند از جمله فریدون	همه از جمله فریدون ترا دوست دارند
همه ترا دوست دارند حتی بچه‌ها	همه حتی بچه‌ها ترا دوست دارند

که در این مثالها «همه بجز احمد» «همه بخصوص احمد» ، «همه از جمله فریدون» و «همه حتی بچه‌ها» گروه اسمی اند. این لغزندگی در گروه‌هایی که با واژه‌های استثناء ساخته میشوند بیشتر است زیرا جزء دوم گروه اسمی (خواه آن را وابسته بخوانیم و خواه همپایه) علاوه بر آنکه بعد از فعل می‌آید پیش از جزء اول نیز قرار می‌گیرد مانند : «جز تو هیچکس از عهده این کار بر نمی‌آید» به جای «هیچکس جز تو از عهده این کار بر نمی‌آید» و همچنین مانند : «کسی جز او» و «جز او کسی» مثال از قدیم : بیرون ازوی چیزی را پرست (دارابنامه طرسوسی ص ۲۰۸ ج ۱) یعنی چیزی جز او را پرست .

گاهی بین اجزاء گروه «را» نیز فاصله می‌شود مانند کسی را جز او ندیدم ولسی گاهی نیز «را» بعد از گروه قرار می‌گیرد ما کسی جز او را ندیدیم .

گاهی نیز جزء اول و اصلی این گروه‌ها حذف می‌شود و گروه به صورت کوتاه در می‌آید مانند این مرد جز برادرشمانیست بجای «کسی جز برادر شما» .

عبادت بجز خدمت خلق نیست
حتی یکنفر هم نیامده است یعنی، هیچکس حتی یکنفر هم نیامده است.

نگارنده این عناصر را در کتاب دستور امروز پیوند همپایگی فرض کرده است زیرا به نظر نویسنده جزئی را همپایه جزء دیگر می‌کنند و «حتی» نیز در عربی از حروف عطف است اما بعضی از اینها مانند بخصوص و مخصوصاً و مثلاً ساختمان قید دارند مع هذا کارشان ارتباط بین دو کلمه است خواه به صورت همپایگی و خواه به شکل وابستگی. به هر حال نقش قیدی ندارند مگر اینکه مخصوصاً و نظایر آن را به معنی عمداً بگیریم . برخی نیز ادوات

استثناء را حرف اضافه گرفته از آن جمله اند دستورنویسان فرانسوی و انگلیسی که کلماتی معادل^۲ اینها را حرف اضافه گرفته اند به هر حال نظر دستورنویسان خارجی اگرچه روشنگر است اما برای زبان فارسی ملاک نیست آنچه مسلمست یا این عناصر حرف اضافه اند منتها حرف اضافه ای که اسمی را وابسته اسمی دیگر می کنند مثلاً «احمد» را وابسته «همه» می کنند و آن را وابسته فعل نمی سازند و یا پیوند همپایگیند که عنصری را همپایه عنصر دیگر می سازند . و به نظر نویسندگان این سطور جنبه پیوندی این عناصر بر جنبه حرف اضافی آنها غلبه دارد و من دلایلم را در این باره در مقاله «پیوندهای تخصصی» در مجله فرهنگ ایران زمین سال ۱۳۳۶ نوشته ام و کلماتی مانند مخصوصاً و بخصوص و غیره را پیوند دانسته ام.

تبدیل اسم مرکب به گروه اسمی

«این و آن» که اسم مبهم مرکبست گاهی به صورت گروه گسسته می آید و آن هنگامیست که بین اجزاء آن حرف اضافه نیز بیاید مانند نباید از این و از آن تقاضای کمک بکسی به این و به آن روینداز . مثال از قدیم

تکیه مکن خیره بدین ناکسان فایده ای نیست از این و از آن

بعضی از گروههای اسمی به صورت علائم اختصاری بکار میروند نه به شکل کامل مانند «ناتو» که از حروف اول «سازمان پیمان اتلانتیک شمالی» بوجود آمده است و همچنین است سنتو (سازمان پیمان مرکزی و سیا مرکز اطلاعاتی امریکا)

۱- بیرون از در قدیم یعنی جز و بجز از

۲- مانند «SAVF» در فرانسه و Except در انگلیسی به معنی به استثنای .

کعبه دل و کعبه گل

يك كعبه صورتست و يك كعبه دل	در راه خدا دو کعبه آمد منزل
كافزون ز هزار كعبه آمد يك دل	تا بتسوانی زیارت دلها کن
خواجه عبدالله انصاری	